بصفت تبدیل حال داده گفتند مغلط گوئید این مذهب است که مراد توریه بدو اشارت داده اند در متابعت امامان
فراکوف اند کب این سخن ربیع رضا اضافه و هر یک از پیشانی رضا صاحب چو چهار کرباس داده و ایشان کتاب عقل بدین
متاع قلیل بفروختند بیت سود ایشان عقل بکمال حرص بسیار باندک آمدنگی فروختند نسبت تمام و نیابت بین
نسبت ستاد ای شد بعفرت شاهی و بپای بیهوده مراجعه رابنت بانیاد کمال تلفت بوی پس حق تعالی میفرماید که مرد تقلید
نسبت ستاد ای شد بعفرت شاهی و بپای بیهوده مراجعه رابنت بانیاد کمال تلفت بوی پس حق تعالی میفرماید که مرد تقلید
شریفترین چیزها که کلام سنت باندکی از دنیای وَلَا تَشْتَرُوا وازین فدای قَلِيلًا تبرسید و از حطام دنیا و حرام او پرهیز نمیدهی
معنی آیه را بمعنی فروه آورده اند که استانید تعلیم آیات ما مزد دنیاوی در توریه از جهت تعلیم نمی کرده بود و فرمود که بیارند
وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ و میا پرهیزید فَلْيَقُلْ سخن راست و درست را که بشما دوست دم
مردم را یکان چنانچه همه سخت شدید را یکان بالتصدیق توریه را که حقست و بکذیب
از صفات محمد ص الْقَوْلُ بناحق که شما بابت خود مینویسید از وصف دجال بالتصدیق توریه را که حقست و بکذیب
قرآن که باطلست بناحق مینویسید قولی و کرانست که قوی زهو و بکفتند این محمد صلوات الله علیه پیغمبر است بحق فرستاده
اما نبی اسرائیل که پیغمبر نبی اسرائیل است و برهانست که بوی ایمان آورید حق تعالی گفت اول سخن شما حقست و آخر سخن
آن حق را بدین باطل میاموزید تفسیر کبر آورده که اگرچه آیه خاص است در صورت اما عاست در معنی زبان اشاره
جمله علما را سکوت و حق را بصورت باطل میاراید و باطل را در صورت حق جلوه دهید سهل فتری فرموده که میاموزید کار دنیا
باعلم دینی که مرد کسب کند آنرا دارد و نه این بیت ترک دنیی گیر تا دنیت دهند آن بد و از دست تا دنیت دهند ای
درویش طلب دنیی کشد انست خطر نفس و فدای آن هم شلط سازند که با یکدیگر در سازند صاحب دل و دسته با دای حق اداست
و صاحب نفس مشغول باستیفا حظ هوا بیکدیگر در سازند و حق تعالی نفس با یکدیگر سازگار نکنند خود
پرستی فدا پرستی نه اند و زنهار و مجتمع نشوند بیت یا دوست آرین کمال یا جان در خانه دو میهمان نگنجند وَتَكْتُمُونَ و
بپوشید حرفت در دخل کتمت حکم النبی الْحَقَّ حق را که صفت مصطفی ص است وَأَنْتُمْ و شما تَعْلَمُونَ میدانید که او
پیغمبر برحق است یا میدانید که بپوشید و این زشت است از آنکه کسی نداند چه جاهل را فی الجمله مجال عذری هست
بیت بی دانش از راه شدید عجب نیست دانستن و در راه شدن عجب تر است صاحب بحر الحقایق فرمود
که نفس خود را از طریق وصول باز دارد و بباطل که تعلق دلست بغیر حق و بپوشید حق را بالتفات کردن بما سوی نه سعادت
که حق را وجه حقیقی نیست بیت غیر او جمله خواهند نمودی دارند بود اگر سطلبی او دست که در دریای خواست یَرْجِعُونَ
و بجای آرید الصَّلَاةَ نماز مسلمانان یعنی پرانوخه که ایشان میگذارند وَآتُوا و بدهید الزَّكَاةَ زکوة مال را شرط
آن بجهان نوع که مسلمانان میدهند بود از جمله ارکان شرع بود و اصل بزرگ و عقد کرد و یکی اعظم عبادات است که زکوة
است و زکوة را نقد هم نزول را گویند و هم پاکی را و هر معنی راست چه بزکوة مال را از آلایش پاکیزه کرده و دلها را
بخل و امساک پاک شود و دیگر زکوة سبب افزونی فضیلت راست یا زیاده شدن مال بیت زکوة مال بیرون کن که تا بفضل

چه باغبان بر پشتر و انگور و نماز بگذارید مراد از رکوع نماز دست شکستگان است و سجود با گردن فرو بردن
فرمان را مخصوص کرده اند با آنکه گوئی نیست مع الراکعین با رکوع کنندگان و نماز بمعنی مسلمانان رشید باید که نماز بگذارد
باشند حکم شد تا بجماعت مومنان آمده کنند و نماز جماعت را بجای فضیلت حدیث بر نماز شما بیست هفت درجه و در
نظر بر نفوس تعداد آن قلیلست در اجر ایشان فایده جماعت بر توجه بسان میکند که در جماعت کسی که نشاط ملامت
و صلوة او تمامت باشد نگفتست و هر آنچه چنان نمازی قبول حضرت معبود خواهد بود و بر برکت آن طاعت قبول ملی
هر یک از آن جمع نیز بشرف قبول خواهد رسید زیرا که آن جزو طاعت با سایر اجزا صورة مادة علیه پذیرفته تشابه
آن جزو سینماید بحزوی فتش یکی از اهل جامعه کامل پس کل بخود کامل قبول نگیم کامل خود شفاعت کند در باقی از اجزا و همچنان
که پیستحق قبول ندارند و سرایت نماید برکت مقبول در غیر مقبول چون سرایت اکسیر در اجساد ناقصه که اشیا را
خیر داده و بر کمال امیر سازد بیت خاکرا همچنین کل کند خاکیرا در دهن سنبل کند در لطایف قشیر معنی آیه
مذکور است اقتدا کنند با آنچه سلف بنده کار اورد و کشاورزان بدقه افراد و استبداد اصحاب نماید که در طریق
سلوک با جمع بودن سلامت از دست بیت حاصل آن آمد که با جمع باش نه چپت کرد از جمع یاری ترش
زنکه بنهوی بجمع کاروان روز نماز اشکند پشت بسان تَأْمُرُونَ النَّاسَ آیا میفرمایید همه و توبیخ و تهجنت
یعنی امر میکنید مردم را بِالْبِرِّ بنیکوی وَتَنْسَوْنَ و فراموش میکنید و دست باز میدارید و دست باستیلای بیدارید
أَنْفُسَكُمْ نفسهای خود را و بیکلی میگوئید امر میکنید بر راست نفس و درغ میگوئید با صدق و صفو مید و در وقت تعلق
بحال میشوید یا قوم خود را بتمسک اعتصام بالحکام توریه وصیت میکنید و خود تحریف و تغییر آیات آن را میدهید و اسباب
نزول آورده که یهود مدینه بعضی از یاران و خویشان از کر بایشان صحبت کرده در رتبه اسلام در آمده و انقیاد احکام نبوت
مصطفوی علی صاحبها افضل الصلوة و صینوند هر کاه دیدندی بر دین و دوست کردندی که بر آن دین حسین و شرع پیشین
کرفتار کرده اید ثابت قدم و صافی دلم بشید که ذخیره سعادت شما در آخرت همان خواهد بود و هر محمد
میگوید متابعت او لازم دانید که اقوال مقترن بصدق افعال او نفس بر خیر است و حضرت عزت ایشان را بدین کرفتن
تصدیق میکرد اند و از پی روی احکام شرع نمایشی مینمودند که خویش میکنند و میگوید دیگران در استقامت طریق خود
تحریص میکنند و از فرود و تردد خویش نمی اندیشید وَأَنْتُمْ و حال آنکه شما تَتْلُونَ میخوانید الْكِتَابَ توراة بکتاب
ایشان میکنند یعنی میخوانید و میدانید که در وعید است بر عناد و ترک نیکوکاری یا بر تکذیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم
أَفَلَا تَعْقِلُونَ چرا خود را کار میفرمایید و از وعید ایشان بعقل خود رجوع نمی نمایید که این صورت روز قیامت بر شما ثابت
شود و آنچه را دانستید و متابعت کردید و دیگران را بنیکوکاری دعوت نمودید و خود از کتاب آن بطرف نبودید و بدین آن
نشیت کسی که دیگری از و پند گیرد و نفس او پند پذیرد از حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام منقولست که یا واعظ